

بیمه مسئولیت و جبران خسارت مدیران و کارکنان

قسمت اول

ترجمه: وحیده دائمی، حمیده خواجه‌بوی‌راد

- کارشناس ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه بین‌المللی فارابی
- کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

که هدایت یک مجموعه، ریسک‌های متعددی را دربرمی‌گیرد، لذا متمایل به شناخت شیوه‌هایی هستند که بتوانند خود و مجموعه‌ای را که در آن خدمت می‌کنند، محفوظ دارند.

هدف این مقاله، برطرف کردن این نگرانی‌هاست. این مقاله اطلاعات اساسی مرتبط در قوانین ایالتی، صنعت بیمه و مقررات ساختار خزانه‌داری را برای افرادی که برای اولین بار به این موضوع می‌پردازند و نیز کسانی که قصد به‌روز کردن و بیشتر کردن اطلاعات خود را دارند، در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.

اطلاعات حاضر به‌شکل پرسش و پاسخ و با رجوع به پیوست‌هاست که زمینه دقیق‌تری از موضوع مورد بحث را فراهم می‌کند. در ابتدا باید برخی نکات را مورد تأکید قرار دهیم:

- با وجودی که مخاطب این مقاله مؤسسات و سازمان‌های رسمی هستند، بخش عمده‌ای از این اطلاعات برای سازمان‌های خیریه عمومی، که خدمات ارائه می‌دهند نیز مفید خواهد بود.

- بخش عمده‌ای از اطلاعات موجود در این مقاله ارتباطی با مسئولیت بالقوه سوانح شخصی یا خسارت

عدم خریداری بیمه‌نامه مسئولیت و جبران خسارت مدیران و کارکنان^۱ توسط اعضای هیئت مدیره، سرمایه‌گذاران و مدیران ارشد، باعث ایجاد اختلال در فعالیت کارکنان و بروز سردرگمی و ناطمینانی می‌شود. ترکیب زبان قانونی ضوابط درآمدهای داخلی (که اغلب غیرقابل درک هستند)، با عبارات به‌شدت ثقیل بیمه‌نامه‌ها، عامل ایجاد زمینه‌های بالقوه‌ای از سردرگمی و ابهام هستند. آنچه به این شرایط دامن می‌زند، عدم ثبات قوانین است. قوانین ایالتی تغییر می‌کنند، مقررات خزانه‌داری در حال تغییرند و زبان بیمه‌نامه‌ها نیز مرتباً تعدیل می‌شوند.

پس از طی سال‌ها، اعضای شورای سیاست‌گذاری سؤالات متعددی را پیرامون مسئولیت بالقوه، جبران خسارت و خرید بیمه مسئولیت مدیران و مسئولان مطرح کردند. از زمانی که تحقیقات مدیران مؤسسات انتفاعی، بسیاری از تنظیم‌کنندگان مقررات ایالتی و دولتی را برآن داشته که دقت بیشتری بر رفتار واحدهای غیرانتفاعی داشته باشند، این سؤالات اهمیت و ضرورت بیشتری یافته‌اند. مدیران پایه بیش از پیش به این نکته پی‌برده‌اند

1. Director's & Officer's (D&O) Insurance



مشغول فعالیت هستند، شاید هرگز به داشتن برخی از انواع بیمه‌نامه‌های مسئولیت عمومی برای تحت پوشش قراردادن آتش‌سوزی، سرقت و خسارت‌های ناگهانی فکر نکرده باشند. با وجودی که این بیمه دامنه گسترده‌ای از خطرات را تحت پوشش قرار می‌دهد، اما در اغلب موارد محدودیت‌های حائز اهمیتی نیز وجود دارد، از جمله اینکه: بیمه مسئولیت عمومی تنها خسارت‌هایی را که در نتیجه جراحات‌های بدنی بوده یا ازدست‌دادن اموال فیزیکی (مادی) را شامل شود، تحت پوشش قرار می‌دهد. دو نوع بیمه‌نامه دیگر نیز وجود دارد که نسبتاً مرسوم هستند: بیمه جبران خسارت کارگران و بیمه صداقت و امانت.

بیمه جبران خسارت کارگران، جراحات‌ها و دستمزد ازدست‌رفته کارگر یا کارمندی را که در حین انجام کار متحمل شده است تحت پوشش قرار می‌دهد. طبق قانون، در حالت عادی نیز این پوشش الزامی بوده و با یک بیمه‌نامه جداگانه، تحت پوشش قرار می‌گیرد.

اموال ندارد (ریسک‌هایی که در بیمه مسئولیت مدیران و مسئولان تحت پوشش قرار نمی‌گیرند). مؤسسات خیریه‌ای که به‌طور مستقیم اقدام به ارائه خدمات به بخش عمومی می‌کنند، نیازمند انجام بررسی دقیق‌تر از کلیه عملیات خود هستند تا از تحت پوشش قرار گرفتن کلیه ریسک‌های بالقوه اطمینان حاصل کنند. اطلاعات موجود در این مقاله عمدتاً، با هدف بررسی موضوعاتی که بنیادهای خصوصی و انجمن‌ها با آن مواجه هستند، تهیه شده است. مواردی که مشکلات، صرفاً بنیادهای خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهند نیز به وضوح قابل تشخیص است.

● آنچه بیشتر مورد توجه قرار دارد، زمینه‌های بالقوه مسئولیت برای مدیران نهادها یا اعضای هیئت امناست. هرچند در این مقاله، مسئولیت بالقوه سازمان نیز بررسی خواهد شد. در بسیاری از موارد، فرد و بنگاه، به‌طور هم‌زمان، مسئول شناخته می‌شوند.

● اطلاعاتی که در این مقاله ذکر شده است، توصیه‌های قانونی محسوب نمی‌شوند. در این زمینه هیچ امری نمی‌تواند جایگزین ایده‌های فردی باشد که علاوه بر اینکه از علم و آگاهی کافی برخوردار است، با موقعیت‌های ویژه یک نهاد خاص نیز کاملاً آشناست. هیچ‌گاه بدون مشاوره با وکیل یا افراد متخصص در ارزیابی ریسک، اقدام به اتخاذ تصمیم جهت جبران شخصی خسارت یا خرید بیمه‌نامه مسئولیت D&O نکنید. ● در این زمینه پیچیدگی‌های بسیاری وجود دارد، به گونه‌ای که برای سردرگم نمودن همه افراد یک جامعه کافیهست. همان‌گونه که تمام تلاش ما در راستای تبدیل این سند به منبعی مرتبط و قابل استفاده برای همگان است، نظرات و پیشنهادات شما نیز در راستای رشد و تعالی این صنعت مورد تقدیر خواهد بود.

بخش اول: ریسک‌های واقعی چه ریسک‌هایی هستند؟

سؤال ۱: بیمه مسئولیت عمومی چیست؟

بسیاری از سازمان‌های غیرانتفاعی که در حال حاضر

که طی سال‌ها و در نتیجه تصمیم‌گیری‌های دادگاه‌های پیشین تبیین شده‌اند. اقامه دعوی علیه یک مؤسسه یا سازمان می‌تواند، طبق قوانین عرف، منجر به مسئول شناخته شدن آن بنگاه / سازمان برای اهانت، تهمت، اشتباه در آزاد کردن زندانی، نقض قرارداد، نقض وظیفه امانت‌داری، تضاد منافع، سوء مدیریت سرمایه، قصور در نظارت یا سرمایه‌گذاری‌های ناکارآمد شود (اغلب دولت‌ها بخش عمده‌ای از این تخلفات را در قوانین نیز آورده‌اند).

در قوانین فدرال، گونه‌هایی از جرمه نیز وجود دارد که می‌تواند برای سازمان، کارکنان یا مدیران آن اعمال شود، اگرچه هیچ‌گونه صدمات جانی یا خسارت مالی واقع نشده باشد. این قانون، جرمه‌هایی نظیر آنچه در ادامه بیان شده را دربرمی‌گیرد:

- قصور در پرداخت یا کسر مالیات تأمین اجتماعی (شامل جرمه مدیر می‌شود)؛
- قصور در پرداخت یا کسر مالیات درآمدهای دولتی کارکنان (شامل جرمه مدیر می‌شود)؛
- تخلف از قانون مبادلات اوراق قرضه^۱؛
- تخلف از قانون ایمنی و بهداشت شغلی؛
- تخلف از قانون حفاظت محیط زیست؛
- تخلف از قانون تأمین درآمد بازنشستگی کارکنان؛
- تخلف از ضوابط درآمدهای داخلی؛
- سرپیچی از قانون فرصت‌های برابر کاری.

در سطح محلی و منطقه‌ای، قوانین مشابه می‌تواند جایگزین مقررات کنونی شود. برای مثال: معمولاً ایالت‌ها، ملزم به کسر مالیات‌های حاصل از درآمدها؛ درحالی‌که می‌تواند هم‌زمان قوانین موضوعه همانندی را درباره فرصت‌های شغلی را نیز داشته باشد. عدم پرداخت مالیات بر فروش را درباره در ایالت نیز می‌تواند منجر به ایجاد مسئولیت شود (البته در تمام ایالت‌ها، مؤسسات غیرانتفاعی نیز معاف از پرداخت مالیات بر فروش نیستند). مناطق مختلف، شهرها و

بیمه صداقت و امانت، سازمان‌ها را در مقابل اقدام به سرقت یا اختلاسی که توسط خود کارکنان یا سایر افراد متخلف انجام شده باشد، تحت پوشش قرار می‌دهد. بسیاری از بیمه‌نامه‌های گروهی، این پوشش بیمه‌ای را نیز شامل می‌شود به گونه‌ای که خسارت وارده به سازمان بابت هرگونه زیان ناشی از بی‌صداقتی یا تخلف جبران خواهد شد. با این وجود، تهیه پوشش جداگانه‌ای برای این گونه خسارت‌ها نیز به آسانی ممکن خواهد بود. باید به این نکته توجه داشت که بیمه‌نامه‌های مسئولیت D&O، جبران خسارت‌های عمدی کارکنان و خسارت‌های ناشی از اعمال متقلبانه را جزء استثنائات قرار داده است.

سؤال ۲: چه ریسک‌های بالقوه‌ای، در بیمه‌نامه‌های مسئولیت عمومی، تحت پوشش قرار نمی‌گیرند؟

مسئولیتی که با جراحات‌های بدنی یا خسارت‌های مالی مرتبط نباشد، می‌تواند از سه منبع نشأت گیرد: قوانین عرفی رایج، قوانین دولتی و مقررات محلی یا ایالتی. به‌طور کلی، قوانین عرفی به معنای قوانینی است



1. Securities Exchange Act

هیچ‌گونه فعالیتی که باعث ایجاد اختلاف در سود حاصل شود، شرکت کنند، در حالی که مدیران تعاونی‌ها می‌توانند این کار را تا زمانی که اختلاف آشکار شده و معامله توسط اکثر اعضای هیئت‌مدیره یا یک شخص ثالث مخالف تأیید شود، ادامه دهند. گاهی امانتداران در وظایفی که به سایرین محول می‌کنند، محدودتر هستند (نظیر مسئولیت تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری). همچنین بی‌دقتی امانتداران با استانداردهای سخت‌گیرانه‌تری بررسی می‌شود. مدیران تعاونی‌ها معمولاً از استانداردهایی تبعیت می‌کنند که «قانون داوری در تجارت» نامیده می‌شود. طبق این قانون، مدیر باید مراقبتی را اعمال نماید که «یک فرد محتاط عادی نیز در همان موقعیت و تحت شرایط مشابه اعمال می‌کند».

در سال‌های اخیر، میزان بدهی و سطح مسئولیت مؤسسات اعتباری کمتر و غیرقابل تشخیص‌تر از چیزی است که برای مدیران تعاونی‌ها اعمال می‌شود، چرا که دادگاه‌های بیشتر و بیشتری، استانداردهای تعاونی‌ها را برمی‌گزینند. با این وجود، احتمال دارد در برخی

بخش‌ها می‌توانند مقررات ساختمانی، آتش‌نشانی یا سایر اصول بهداشتی و امنیتی‌ای داشته باشند (به‌عنوان مثال جهت تحت پوشش قراردادن صنایع غذایی یا فعالیت مرکز مراقبت از کودکان) که تخطی از آنها می‌تواند منجر به جریمه سازمان شود.

برخی از این قوانین چندان با فعالیت یک سازمان خدماتی متوسط، مرتبط نیستند. در عین حال، برخی موارد حقوقی، صرفاً جوامع بدون هدف انتفاعی را هدف قرار داده‌اند و ما نیز آنها را به‌طور دقیق‌تر مورد مطالعه قرار خواهیم داد (به سؤالات ۴ و ۵ مراجعه کنید).

مؤسسه‌ها و سایر مراکز غیرانتفاعی باید آگاه باشند زمانی که اموال و دارایی‌هایی برای امور خیریه به کار گرفته می‌شوند، تنظیم‌کنندگان مقررات ایالتی، جهت حفظ انگیزه‌های عموم مردم، مدعی‌العموم (دادستان کل) را قدرتمند می‌نماید (با عنایت به این امر که عامه مردم حق دارند از دارایی به کار گرفته شده بهره ببرند). به عبارت دیگر، هر امری که علیه سازمان صورت گیرد، دادخواست ادعای خسارت نیست.

مدعی‌العموم می‌تواند یک تصمیم عملی برای وادار نمودن هیئت‌مدیره به انجام یا عدم انجام فعالیت خاصی بگیرد. نمونه‌هایی از این دست می‌تواند شامل بازگرداندن مبلغ هزینه‌های اضافه یا غرامت‌ها یا منع استفاده مداوم از اموال اداری برای امور شخصی باشد.

سؤال ۳: در حیطه مسئولیت، آیا تفاوتی میان امانتداری و رهبری وجود دارد؟

با وجودی که امروزه بیشتر سازمان‌های غیرانتفاعی طبق شرایط تعاونی‌های غیرانتفاعی منطقه، سازمان یافته‌اند، اما هنوز امکان تشکیل یک ساختار خصوصی یا انجمنی مطابق با قوانین اعتباری مجمع شرکت‌های منطقه وجود دارد. تعاونی غیرانتفاعی دارای هیئت‌مدیره بوده و مجمع شرکت‌ها نیز از حضور متولیان بهره خواهد برد. آیا این امر تغییری در مسئولیت ایجاد می‌کند؟

از نظر تاریخی، قوانین اعتباری (امانتداری)، امانتداران را در سطح بالاتری قرار می‌دهد. امانتداران نمی‌توانند در



درآمد داخلی جریمه‌ای را برای مؤسسه‌های خصوصی در پی خواهد داشت. برای مدیر یک مؤسسه، امکان اعمال مالیات مشابهی نیز به دلیل تخطی از سه ماده وجود دارد: معاملات شخصی، سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز و هزینه‌هایی که مشمول مالیات می‌شوند. در هر مورد، مبلغ جریمه برابر با درصدی از مبلغ پولی مورد نظر است؛ جریمه اعمال شده اولیه نیز بین ۱۰٪ تا ۳۰٪ برای سازمان‌ها و ۵٪ برای اشخاص می‌باشد. در صورتی که تبصره‌های ممنوع‌شده تصحیح نشوند، مبلغ این جریمه‌ها ممکن است تا ۲۰۰٪ مبلغ مشمول نیز افزایش یابد.

سؤال ۵: هر ساله از چند مؤسسه، بازرسی به عمل می‌آید و چه میزان بابت جریمه‌های مالیاتی پرداخت می‌کنند؟

همه‌ساله خدمات درآمدهای داخلی^۲، مبلغ کلی جمع‌آوری شده از جریمه‌های مالیاتی پرداخت شده را طبق فصل ۴۲، گزارش می‌کند. برای سال ۲۰۰۳، آخرین سالی که جمع مبلغ آن موجود است، این مبلغ بیش از پنج میلیون دلار بود؛ که با در نظر گرفتن این نکته که بیش از ۷۳ هزار مؤسسه خصوصی هر سال هزاران میلیون دلار پرداخت می‌کنند، این مبلغ بسیار کم است. طبق گزارش خدمات درآمدهای داخلی در سال مالی ۲۰۰۵، حدود ۳۵۰ مورد بازپرداخت تعیین شده که توسط مؤسسه‌های خصوصی، بازرسی شدند. این رقم نیز در مقایسه با تعداد کلی بازپرداخت‌های طبقه‌بندی شده توسط مؤسسه‌های خصوصی، عدد بسیار ناچیزی است.

سؤال ۶: آیا غرامت یا جریمه‌های مالیاتی قابل اعمال برای مؤسسات خیریه عمومی، نظیر مؤسسه‌های اجتماعی، وجود دارد؟

بله. مجوزهای واسطه، جریمه‌هایی هستند که مطابق با فصل ۴۹۵۸ کد مالیاتی، به اشخاص حقیقی (افراد نالایق) که عضوی از یک مؤسسه خیریه عمومی (یا سایر سازمان‌های معاف از مالیات) بوده و غرامت‌های مازاد بر جبران خسارت‌های معمول برای خدمات ارائه شده دریافت می‌دارند، تعلق می‌گیرد. مالیات پایه‌ای معادل

مناطق، اختلافات مهم برای برخی از فعالیت‌های خاص همچنان باقی بماند. بنابراین، اگر سازمان شما یک مؤسسه مالی باشد، توضیح این مسئله که احتمال اعمال چه استانداردهای سخت‌تری در مورد شما وجود دارد، توسط یک مشاور حقوقی، کاری عاقلانه خواهد بود. باین وجود در این نوشتار، واژه «مدیر»^۱، واژه «متولی»^۲ را نیز در بر می‌گیرد. برای بسیاری از مالیات‌ها و جریمه‌هایی که ممکن است تحمیل شوند و نیز بسیاری از مقرراتی که ممکن است وضع شوند، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد.

سؤال ۴: مالیات‌ها و جریمه‌های فصل ۴۲ چه هستند؟

ضوابط درآمد داخلی، جریمه‌های بالقوه متعددی را شامل می‌شود که با بیمه مسئولیت عمومی تحت پوشش قرار نمی‌گیرد (به سؤال ۲ مراجعه کنید). مؤسسه‌های خصوصی تنها سازمان‌هایی هستند که موضوع جریمه‌های فصل ۴۲ می‌باشند. از سال ۱۹۶۹، ضوابط درآمد داخلی، مدیریت و اجرای مؤسسه‌های خصوصی را شدیداً قانونمند کرده است. حجم این نیازمندی‌ها در فصل ۴۲ کد درآمد داخلی قابل مشاهده است (این امور برای تعاونی‌ها یا مؤسسات خیریه عمومی اعمال نمی‌شوند، اما به سؤال ۲ مراجعه کنید).

فصل ۴۲ نه تنها یک نیاز خاص قانونی را برای مؤسسه‌های خصوصی معرفی می‌کند، بلکه ابزار اجرایی جدیدی را نیز فراهم می‌کند: جریمه‌های مالیاتی برای تخلفات. بر مبنای این فصل، جریمه‌های مالیاتی می‌تواند به مواردی نظیر؛ معاملات شخصی (ماده ۴۹۴۱)، عدم توزیع درآمد (ماده ۴۹۴۲)، نگهداری مازاد تجارت (ماده ۴۹۴۳)، سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز (ماده ۴۹۴۴) و هزینه‌هایی که مشمول پرداخت مالیات می‌شوند (ماده ۴۹۴۵) نظیر هزینه‌های پرداختی برای تبلیغات، ثبت نام کاندیدها یا سازمان‌های غیرخیریه، تعلق گیرد. به جز قوانینی که علیه معاملات شخصی می‌باشند، سایر کدهای

1. Director
2. Trustee

3. Internal Revenue Service (IRC)

۲۵٪ از سود مازاد می‌تواند برای فرد نالایق اعمال شود که در صورت عدم تصحیح این تخلف، این میزان می‌تواند تا ۲۰۰٪ افزایش یابد. ۱۰٪ جریمه مازاد بر مبلغ مورد نظر نیز می‌تواند برای مدیران سازمان‌هایی اعمال شود که با علم و آگاهی در این معامله شرکت کرده‌اند.

در سال ۱۹۹۶، الحاقیه‌هایی به ضوابط مالیاتی اضافه شدند تا قدرت عمل لازم را به IRS برای جریمه کردن افرادی که به‌طور غیرمعمول از معاملات سازمان‌های خیریه عمومی و سایر سازمان‌های مدنی بهره می‌برند، اعطا نماید. پیش از سال ۱۹۹۶، تنها حربه IRS در مقابل افراد درون سازمان که از برداشت‌های مازاد بهره می‌بردند، لغو معافیت‌های سازمان بود.

سؤال ۷: آیا مغایرت‌های دیگری با کد درآمدهای داخلی وجود دارد که بتواند یک عرضه‌کننده مالی را جریمه کند؟

علاوه بر مغایرت‌های فصل ۴۲، یک مؤسسه خصوصی یا مدیر مؤسسه می‌تواند به دلیل عدم برقراری بازپرداخت سالانه زمان‌بندی شده یا عدم ارضای نظرات عموم از چگونگی بازپرداخت، به صورتی که انتظار می‌رود، نیز جریمه شود (به مواد ۶۶۵۲ و ۶۶۵۸ مراجعه کنید). تنظیم بازپرداخت ناقص در زمان مقرر، درست مانند تنظیم بازپرداخت دیرتر از موعد مقرر است. ماده ۶۶۸۴ می‌تواند جریمه مالیاتی مذکور در فصل ۴۲ را، در صورتی که ثابت شود این مغایرت «مطابق میل فرد و در نتیجه عمل نادرست» وی است، به دو برابر افزایش دهد. ماده ۱۹۸۶، به منظور بهبود شرایط مالیاتی، کد درآمد داخلی (IRC) را به گونه‌ای تغییر داد که مؤسسه‌های خصوصی را ملزم به پرداخت مبلغ تقریبی مالیات بردرآمد حاصل از سرمایه‌گذاری خود به صورت سه‌ماهه (فصلی) می‌کند (ماده ۶۱۵۴). عدم پرداخت حداقل مبلغ تقریبی می‌تواند منجر به جریمه مدیر مؤسسه شود (ماده ۶۶۵۶).

مؤسسه‌ها و سایر مؤسسات خیریه عمومی نیز می‌توانند جریمه شوند. هم سازمان و هم فرد مسئول می‌توانند به دلیل عدم بازپرداخت به موقع، جریمه شوند (ماده

۶۶۵۲). در صورتی که هرگونه مالیات بردرآمد ناشی از فعالیت‌های غیر مرتبط نیز وجود داشته باشد، (چه از یک مؤسسه خصوصی یا مؤسسه خیریه عمومی)، پرداخت مالیات تقریبی باید در بازه‌های سه‌ماهه صورت گیرد تا از اعمال هرگونه جریمه خودداری شود.

مؤسسه‌های خصوصی و مؤسسات خیریه عمومی (و در برخی موارد، مدیران آنها) ممکن است برای موارد زیر نیز جریمه شوند:

- عدم پرداخت مالیات‌های سالانه سازمان (از ۹۹۰ تا p-f ۹۹۰) که برای برآوردهای عمومی یا تهیه نسخه مورد نیاز از بازپرداخت‌ها موجود است (ماده ۶۱۰۴، بند د). سازمان باید سه مورد از مدارک سالانه خود را موجود داشته باشد، در غیر این صورت با جریمه مالیاتی مواجه خواهد شد.

- گزارش نکردن نوع فعالیت سازمان جهت تعیین میزان مالیات (و سایر مدارک مرتبط) برای برآوردهای عمومی یا فراهم‌سازی نسخه‌ای از موارد اعمال شده (ماده ۶۱۰۴، بند د). این مورد برای سازمان‌هایی که عملکرد خود را برای موقعیت‌های آزاد در ۱۵ جولای ۱۹۸۷ یا بعد از آن طبقه‌بندی نمودند و نیز سازمان‌هایی که یک نسخه از عملکردهای خود را در این تاریخ در اختیار داشتند، اعمال می‌شود.

- استفاده غیرقانونی از ذخایر برای رقابت‌های سیاسی (ماده ۴۹۵۵).

- استفاده بیش از حد از ذخایر به منظور تأثیرگذاری بر قانون‌گذاران (اهداف فریبکارانه).

سؤال ۸: چه مثال‌هایی از محاکم حقیقی یا سایر فعالیت‌ها علیه مؤسسه‌ها یا مدیران آنها وجود دارد؟

علاوه بر فعالیت‌هایی که توسط خدمات درآمد داخلی انجام می‌گیرد و در بالا نیز به آنها اشاره شد، محاکم خاصی نیز علیه این مؤسسه‌ها تشکیل می‌شود. باین وجود، تشکیل این محاکم برای آسیب‌های فردی یا خسارت‌های اموال، بسیار غیرمعمول است چراکه



کارمندی از یک مؤسسه خصوصی، ادعایی را درخصوص تبعیض بیان کرده با این مضمون که دوره کاری وی در حین مرخصی زایمان، به پایان رسیده بود. اگرچه او طی فرایند تعدیل نیرو که سایر نیروها را نیز تحت تأثیر قرار داده بود از سازمان اخراج شده بود، اما مؤسسه هیچ گونه مدرکی نداشت دال بر اینکه چرا سایر کارکنان طی تعدیل نیرو یا در شرایط مشابه (حین مرخصی زایمان) اخراج نشده و او اخراج شده بود. به دلیل نبود هرگونه مدرک مستدل یا دلیل روشنی که علت تعدیل (اخراج) کارمند مورد نظر را نشان دهد، شرکت بیمه تصمیم به پرداخت ۲۶،۰۰۰ دلار به وی و ختم این موضوع نمود. هزینه طرح این دعوی در حدود ۲۲،۰۰۰ دلار بود.

منبع دیگری از این محاکم، مدعی‌العموم یک منطقه است. مدعی‌العموم به عنوان فردی که حفظ سرمایه‌های خیریه و بررسی کسانی که از آنها بهره‌مند می‌شوند در

این مؤسسه‌ها معمولاً هیچ گونه خدمات مستقیمی ارائه نمی‌دهند. مؤسسات خیریه عمومی که به صورت مستقیم به ارائه خدمات اشتغال دارند، از مسئولیت بیشتری در برابر این محاکم برخوردارند.

براساس منابع موجود از صنعت بیمه اغلب محاکمی که علیه مؤسسه‌های خصوصی و مؤسسات خیریه عمومی برنامه‌ریزی شده‌اند، کارمندمحور و در ارتباط با مشاغل هستند. کارکنان، یا به لفظ عامیانه‌تر کارمندان عامل، می‌توانند مدعی شوند که به طور غیرعادلانه اخراج شده‌اند یا ارتقای شغلی وعده داده شده را دریافت نکرده‌اند. همچنین می‌توانند مدعی شوند که براساس جنسیت، قومیت (نژاد)، یا سن تفکیک شده‌اند. به طور کلی، هرچه تعداد کارکنان شاغل در یک سازمان بیشتر باشد، ریسک قرار گرفتن در چنین محاکمی نیز برای آنان بیشتر خواهد بود.

آنچه در ادامه عنوان می‌شود نمونه رایجی از یکی از محاکم کارکنان و نتیجه آن است:



در این توافق نامه (که به منظور کسب این امتیاز منعقد شد) ذکر شده است که میزان سرمایه هنگام تفکیک کامل مؤسسه تجدید خواهد شد. در پایان سال، تنها بیش از نیمی از سرمایه برگردانده شده و تصمیم مؤسسه بر این بود که سایر بخش‌های سرمایه نباید پروژه‌هایی مشابه این گونه امتیاز را شامل شوند. طرفین قرارداد، موافقت نامه دیگری را مبنی بر اینکه صاحب امتیاز بتواند باقی مانده امتیاز را نیز دریافت نماید، به امضا رسانده و مابقی پول نیز به آنها پرداخت شد. پس از دریافت سرمایه، صاحب امتیاز با تکیه بر این که طبق مباحث صورت گرفته در اولین موافقت نامه اعطای امتیاز، مجاز به ادعای ۴/۵ میلیون دلار طی سه سال بوده است، ادعای خسارت نمود. هیئت منصفه نیز با این ادعا موافقت نموده و صاحب امتیاز را ملزم به پرداخت ۲ میلیون دلار نمود. در سال ۱۹۹۹، دادگاه علنی کالیفرنیا این تصمیم را تغییر داد.

• خیری، سرمایه‌ای متعلق به سازمانی خاص را به

حیطه وظایفش می‌باشد، می‌تواند محاکمی را برای دفاع علیه سوء مدیریت سرمایه‌ها یا سایر تخلفات ناشی از وظایف محوله به ایشان اقامه نماید. در حالی که هیچ مدرک آماری از افزایشی که اخیراً در محکمه‌های فراوانی که علیه مؤسسه‌ها تشکیل شده وجود ندارد، مدعی العموم در اکثر مناطق، بیش از پیش به معمولی خیریه توجه دارد.

در نهایت اینکه، ساختار برخی مؤسسه‌ها نیز در نتیجه مشاجرات داخلی، در اقامه دعوی دچار آشفتگی می‌شود. عدم توافق میان اعضای هیئت مدیره و کشمکش‌های خانوادگی که به پیچیدگی‌های مدیریتی مؤسسه نفوذ می‌کند، می‌تواند تبدیل به یک محاکمه شود.

مثال‌هایی از امور یا فعالیت‌های حقیقی علیه مؤسسه‌ها عبارت‌اند از:

• مؤسسه خصوصی در کالیفرنیا، امتیاز یک‌ساله یک کلینیک پزشکی به ارزش یک میلیون دلار را لغو کرد.

عنوان ارث به یک گروه امانتدار اهدا نمود. با گذشت چند سال، تغییرات اجتماعی عامل ایجاد تغییراتی در عملکرد سازمان شد. مؤسسه‌های اجتماعی نیز از این قدرت تغییر استفاده نموده و توزیع سالانه به سازمان را خاتمه دادند. پس از چند سال، سازمان علیه مؤسسه‌های اجتماعی طرح شکایت نمود و اعضای هیئت‌مدیره مؤسسه‌ها ادعا کردند که سازمان ملزم به توزیع از ذخایر بانام بوده‌است. در نهایت، رأی دادگاه علنی به نفع مؤسسه‌های اجتماعی صادر شد.

● در سال ۲۰۰۰، مدیران مؤسسه‌ای که اداره یکی از موزه‌های هنری در شیکاگو را برعهده داشتند علیه برخی از مدیران آن شکایت کردند. دلیل شکایت آنها نیز سوءمدیریت و تصمیم‌گیری در خصوص انتقال کلکسیون هنری مؤسسه از شیکاگو به واشنگتن‌دی‌سی عنوان شده بود. در این دعوی، مدعی‌العموم ایلینویز نیز وارد عمل شده و سرانجام با دفاعیات و میانجیگری‌های طولانی، مؤسسه ملزم به تغییر مدیریت و انعقاد قراردادی طولانی‌مدت با ایلینویز شد.

● در سال ۲۰۰۲، نمایندگان یکی از گروه‌های مردمی، علیه مؤسسه‌ای که چگونگی برقراری برنامه‌ای را به‌منظور کاهش فقر در منطقه به آزمایش گذاشته‌بود، شکایت کردند. خواهان ادعا کرده بودند که در فرایند قرار گرفتن جامعه در جریان این برنامه‌ریزی، مؤسسه قانوناً ملزم به تهیه سرمایه لازم بوده است. دادگاه منطقه‌ای آمریکا این ادعا را رد کرد. در سال ۲۰۰۵، یک دادگاه علنی فدرال، مجدداً بخشی از این ادعا را به جریان انداخت. طی این جریان مشخص شد که مؤسسه فاقد هرگونه قرار قانونی برای امتیاز سرمایه‌گذاری با آنها بوده اما احتمالاً خود را ملزم به پرداخت هزینه‌های افرادی نموده که در این فرایند برنامه‌ریزی شرکت کرده‌اند.

● در سال ۱۹۷۰، یک مؤسسه خصوصی امتیاز عملیات عمرانی پارک مرکزی شهر را که زمین آن در مالکیت شهر بود، واگذار کرد. طی سال‌های بعد،

مؤسسه پاسخ‌گوی درخواست‌های متداول اهالی شهر جهت کمک و حمایت بیشتر، تعمیرات و بهبود پارک و محیط اطراف آن بود. زمانی که تعدادی از مراجعه‌کنندگان پارک در سال ۲۰۰۴ داخل پارک فوت شدند، خانواده‌های این مراجعه‌کنندگان علیه شهرداری، مؤسسه و سایر افرادی که از ابتدا در طراحی، ساخت و نگهداری از پارک دخیل بودند، شکایت کردند. اگرچه تمامی شکایت‌هایی که علیه مؤسسه اقامه شده بودند رد شدند، اما مؤسسه مجبور شد جبران هزینه‌های قانونی قابل توجهی برای دفاع از خود طی مراحل کشف، جایگزینی و آنچه پیش از دادگاه مطرح شده‌بود، برعهده گیرد.

● در تگزاس، خواهر یکی از مدیران اجرایی یکی از مؤسسه‌ها (که مانند خود مدیر، از نوادگان خیر مؤسسه بود)، به عملکرد سازمان مضمون شد. تحقیقات وی منجر به عکس‌العمل قانونی از سوی مدعی‌العموم و اخراج مدیر اجرایی مؤسسه، تعدادی از همکاران وی و اعضای هیئت‌مدیره شد. هیئت منصفه در سال ۲۰۰۴، دو نفر از مدیران اجرایی را موظف به بازپرداخت بیش از ۲۰ میلیون دلار به مؤسسه کرد.

در این جا برخی مثال‌های قدیمی‌تر از موارد قانونی، از جمله مؤسسه‌ها ذکر می‌شود:

● در سال ۱۹۷۲، مردی در شهر بوفالوی نیویورک، شکایتی را علیه ۱۴ مؤسسه شهر بوفالو تنظیم کرد. براین اساس که به دلیل اختلاف نژاد، فرزندان وی از دریافت کمک‌هزینه بورسیه منع شده و خود وی نیز از کار برکنار شده است، ضمن اینکه به دلیل اختلاف نژاد، سایر مؤسسه‌ها از پرداخت کمک به مؤسسه وی امتناع می‌کنند. چهار سال بعد، این شکایت در حالی رد می‌شود که هزینه دفاع آن بیش از ۱۰۰ هزار دلار برآورد می‌شود.

● نماینده یکی از مؤسسه‌های خصوصی، شکایت‌هایی را علیه تعداد زیادی از مدیران بنگاه‌ها، پیرامون مواردی از قبیل سوءمدیریت و پرداخت‌های بیش از اندازه برای خدمات ارائه نمود. کلیه این شکایت‌ها بلافاصله رد شدند.



در بسیاری از موارد، مثل برخی موارد فوق‌الذکر، مؤسسه ممکن است در دفاع از خود موفق بوده و نیازمند انجام عملی که مستلزم پرداخت هزینه‌های گزاف مالی است، نباشد. ادعای یک کارمند درباره تبعیض می‌تواند رد شود یا اختلافات مدیریتی می‌تواند حل شود. در عین حال، در رانۀ یک دفاعیه موفق یا بحث در خصوص راه‌حل‌های نهایی، هزینه‌های قانونی قابل توجهی می‌تواند تحمیل شود. سؤال این است که آیا مدیر یک مؤسسه می‌تواند پیشنهادی مبنی بر پرداخت هزینه‌های دفاعیه خود به صورت شخصی داشته باشد؟ آیا مؤسسه می‌تواند پیشنهاد پرداخت هزینه‌های دفاعیه وی را داشته باشد؟ آیا مؤسسه می‌تواند پیشنهاد کند که هزینه دفاعیه مدیر یا کارکنان را جبران نماید؟ هدف از این نوشتار، طراحی سیستمی است که در آن، در صورت ضروری بودن انجام چنین دفاعیاتی، سیستم بتواند پوشش مناسبی برای مؤسسه و مدیران آن فراهم کند.

منبع:

Edie, J.A. and Nober, J.C. 2007, *Directors and officers liability insurance and indemnification*, Council on Foundations.

• در نیویورک، مدعی‌العموم اقداماتی را علیه یک مؤسسه خصوصی که اقدام به فروش آشکار موجودی‌های کم‌ارزش خود به منظور تولید درآمد بیشتر برای تشکیل سرمایه کرده بود، به انجام رساند. این موجودی‌ها به قیمتی که بسیار بیشتر از ارزش ثبت شده در دفاتر بود، فروخته شده بودند.

• در کالیفرنیا، مدعی‌العموم شکایتی را علیه سرمایه‌گذاران یک مؤسسه خصوصی مبنی بر بازپرداخت مبالغ اضافی پرداخت شده به ایشان، به مؤسسه اقامه نمود. کل این مبالغ نیز به مؤسسه بازپرداخت شدند.

• در تگزاس، به دنبال آشکار شدن پرداخت میلیون‌ها دلار برای توسعه پارکی که هیچ‌گاه به روی عامه مردم گشوده نشد، مدعی‌العموم اعمال برخی تغییرات در ساختار هیئت‌مدیره مؤسسه خصوصی مزبور را اجباری کرد. این پارک برای اسکان اسب‌هایی استفاده می‌شد که همگی متعلق به اعضای هیئت‌مدیره بودند. اعضای هیئت‌مدیره نیز تغییر کردند.

• طبق مدارک به دست آمده از یک مؤسسه خصوصی، مشخص شد که بخشی از درآمد دائمی حاصل از مبالغ دریافتی به یک سازمان خیریه خاص ارسال می‌شود. سازمان خیریه نامبرده نیز به دلیل سوءمدیریت موجودی‌های مؤسسه، علیه مؤسسه مذکور شکایت کرد.